

فرمان نهم و خدای راستی

دکتر برایان کازی

در دبیرستان، گروهی از دوستانم تصمیم گرفتند در بالای کوه لوک‌اوت در جورجیا چادر بزنند. آنها ده نفر بودند، یک گروه مختلط از پسران و دختران. می‌دانستم که والدینم به من اجازه نمی‌دهند در یک پیک‌نیک شبانه‌ی مختلط شرکت کنم، بنابراین چیزی در مورد حضور خانم‌ها به آنها نگفتم. ما خیلی خوش گذرانیدیم، بدون هیچ بازی ناپسندی، اما وقتی به خانه برگشتم، با والدینم روبرو شدم، وقتی سعی کردم بیشتر حقیقت را بپوشانم آنها متوجه همه چیز شدند و با من خیلی جدی برخورد کردند.

”دروغ‌های سفید“ کوچکی مانند این تقریباً بی‌ضرر به نظر می‌رسند، اما با گفتن آنها از حقیقت دور می‌شویم، راستی را پنهان می‌کنیم و از گفتن حقیقت غفلت می‌کنیم؟ واقعیت این است که خداوند راستی را دوست دارد، از راستی لذت می‌برد و از راستی حمایت می‌کند، زیرا او خدای راستی است. او به عنوان خالق مقتدر همه چیز، راستی را بنا نهاد و حقیقت خود را به طور کلی در آفرینش و به طور خاص در کلام خود آشکار کرد (مزمور ۱۹).

یوحنا ی رسول می‌نویسد: ”خدا نور است و هیچ ظلمت در وی هرگز نیست“ (اول یوحنا ۱: ۵). این ”نور“ خدا ویژگی‌های اخلاقی راستی، صداقت و درستی را آشکار می‌کند. نه تنها خدا در مقابل همه‌ی خدایان دروغین این جهان خدای واقعی و زنده است؛ بلکه او همه چیز را همانطور که هستند واقعاً می‌داند. به عبارت دیگر، او همراه و سرگردان نیست، بلکه بر همه چیز علم دقیق و کامل دارد.

این خدای راستی، ما را به دوست داشتن حقیقت، لذت بردن از حقیقت، گفتن حقیقت و گام برداشتن در حقیقت فرا می‌خواند. اگر قرار است کلیسا ”ستون و بنیاد راستی“ باشد (اول تیموتائوس ۳: ۱۵)، ما باید راستی را بشناسیم و با ایستادن بر حقیقت به عنوان اصلی اخلاقی، راستی را در این دنیای پر از دروغ پرورش دهیم.

والدین اولیه‌ی ما از طریق دروغ شیطان، ”پدر دروغ‌ها“ وسوسه شدند (یوحنا ۸: ۴۴). جای تعجب نیست که خداوند اهمیت راستی را در کلام خود ثابت کند. مارتین لوتر در سرود معروف خود ”خداوند ما قلعه‌ی مستحکم است“ نوشت:

بگذار اموال و خویشاوندان بروند،

این زندگی فانی نیز؛

جسدى که ممکن است بکشند؛

راستى خدا همچنان پابرجاست،

پادشاهى او جاودانه است.

در حالى که شیطان تلاش مى کند راستى خدا را از بین ببرد و جهان در صدد تضعیف آن است، غضب خدای قادر و مقدس ما بر بی دینى مردمى نازل شده است، که "راستى را در ناراستى باز مى دارند" و "راستى خدا را به دروغ مبدل کردند" (رومیان ۱: ۱۸ و ۲۵). اما راستى خدا باقى خواهد ماند؛ پادشاهى او جاودانه است.

فرمان نهم

ده فرمان بیان مى کند که چگونه باید خدا (۴-۱) و همسایه (۵-۱۰) را دوست داشته باشیم. همراه با مَن آسمانى و عصای هارون، ده فرمان در داخل تابوت عهد قرار گرفت - که اهمیت آنها را برای زندگى و هویت بنی اسرائیل آشکار مى کرد - و همچنین پایه و اساس همه ی قوانین و دستورات خدا بود. آنها تصویری از زندگى را ارائه مى دهند که خدا را خشنود مى سازد.

خداوند ده فرمان را در چارچوب عهدى که با قوم خود در کوه سینا بست به آنها بخشید. خدا از طرف بنی اسرائیل در حفظ عهد عمل کرده و آنها را در مورد موقعیتشان به عنوان قوم خود مطمئن ساخته بود: "من هستم یهوه، خدای تو، که تو را از زمین مصر و از خانه ی غلامی بیرون آوردم" (خروج ۲۰: ۲؛ تثنیه ۵: ۶ را ببینید). رهایی و نجات خداوند پس زمینه ی احکام و شریعت اوست. آنها قوم او بودند و او خدای آنها بود.

فرمان نهم در مورد اهمیت راستى به ما تعلیم مى دهد: "بر همسایه ی خود شهادت دروغ مده" (خروج ۲۰: ۱۶). محاکمه ی قانونی، زمینه ی این فرمان را شکل مى دهد، که در آن شاهد دروغگو مى توانست مجازات شدیدی را کاذبانه برای همسایه ی خود ایجاد کند. شاهدان در دنیای باستان بسیار مهم بودند. تثنیه ۱۷: ۶ مى گوید: "از گواهی دو یا سه شاهد، آن شخصی که

مستوجب مرگ است کشته شود؛ از گواهی یک نفر کشته نشود. "بنابراین، یک شاهد دروغگو، امکان ایجاد بی‌عدالتی بزرگی را برای یک شخص بی‌گناه داشت. اما فرمان نهم بسیار بیشتر از این کاربرد دارد.

وظایف ضروری و گناهان ممنوعه

پرسش و پاسخ‌های بلند از اعتقادنامه‌ی وست‌مینستر (۱۴۳-۱۴۵) سه سؤال را به فرمان نهم اختصاص می‌دهد که محتوای فرمان و همچنین "وظایف ضروری" (مثبت) و "گناهان ممنوعه" (منفی) توسط آنها توضیح داده می‌شوند.

از دید مثبت، وست‌مینستر تعلیم می‌دهد که ما باید راستی را با دیگران، و نام نیک همسایه‌ی خود و همچنین خودمان را حفظ و ترویج کنیم. ما باید از راستی دفاع کنیم، حقیقت را بگوییم، و هر چیزی را که درست، صادقانه، دوست داشتنی و دارای شهادتی نیکو است مطالعه کرده به عمل آوریم (فیلسیان ۴: ۸). به طور منفی، وست‌مینستر تعلیم می‌دهد که ما نباید تسلیم پیش‌داوری در مورد راستی، یا نام نیک همسایه، یا خودمان شویم. ما نباید شهادت دروغ بدهیم، حکم ناعادلانه صادر کنیم، حقیقت را کتمان کنیم، در زمانی که باید حقیقت گفته شود، سکوت کنیم، یا حقیقت را بی‌دلیل، بدخواهانه یا به نحوی که آن را به معنای نادرست منحرف کند، بیان کنیم. به علاوه، ما نباید تسلیم دروغ، تهمت، غیبت، تمسخر، دشنام، شایعه پراکنی و سایر گناهانی بشویم که از عدم راستی سرچشمه می‌گیرند. بنابراین، ما باید احترامی خیرخواهانه نسبت به همسایگان خود داشته باشیم، با فرض بهترین‌ها در مورد آنها، مگر اینکه شواهد روشنی بر خلاف آن وجود داشته باشد، بدون توجه به شایعات.

در حالی که متن فرمان نهم به طور خاص فقط می‌گوید که ما نباید شهادت دروغ بدهیم، اهمیت کلی را که خدا برای راستی قائل است، همانطور که در وست‌مینستر دیده می‌شود، نشان می‌دهد. در اینجا از استدلال کوچک‌تر و بزرگ‌تر استفاده شده است: اگر شهادت دروغ علیه همسایه ممنوع است - و می‌تواند منجر به مرگ او شود (بزرگ‌تر) - قطعاً سایر اشکال آن هم ممنوع است (کوچک‌تر).

یوهانس واس در تفسیر خود بر نسخه‌ی جامع وست‌مینستر توضیح می‌دهد: "فرمان نهم در کلیت در مورد قداست راستی و صداقت در جامعه‌ی بشری است و به وظیفه‌ی ما نسبت به حفظ نام نیک خود و همسایه‌مان اشاره دارد." از آنجا که راستی یکی از صفات خداوند است، و چون ما به شباهت او آفریده شده‌ایم، باید از راستی در زندگی، خانه، کلیسا و جامعه‌ی خود حمایت، دفاع و پیروی کنیم.

سه طریق برای زندگی کردن در راستی

با توجه به این واقعیت که خدا خدای راستی است و به حقیقت اهمیت می‌دهد، که به‌طور خاص در فرمان نهم دیده می‌شود؛ چند راه عملی وجود دارد که می‌توانیم بر اساس آنها در راستی زندگی کنیم؟ اجازه بدهید سه طریق را توضیح بدهم.

ابتدا مراقب گناهان زبان باشید. همانطور که یعقوب می‌گوید: “زبان آتشی است! آن عالم ناراستی” (۳: ۶). این تصویر ادامه می‌یابد و نشان می‌دهد که آتش با چه سرعتی می‌تواند گسترش یابد. ما باید به هشدارهای کتاب مقدس توجه کنیم: “شاهد دروغگو بی‌سزا نخواهد ماند، و هر که به کذب تنطق نماید هلاک خواهد گردید” (امثال ۱۹: ۹). ما به‌طور طبیعی نسبت به راستی اغماض می‌کنیم و باید مراقب راه‌هایی باشیم که در آنها حقیقت را تحریف می‌کنیم. سخنان نادرست، غیبت، تهمت، دروغ، شهادت دروغ و غیره - نباید جایی بر زبان ما داشته باشد، زیرا اینها نه تنها قلب خدای راستی را می‌آزارد، بلکه می‌تواند به راحتی گسترش یابد و صدمات زیادی به افراد وارد کند. در عوض، ما باید “در محبت پیروی راستی نموده” (افسیسیان ۴: ۱۵) و نام نیک همسایه خود را ترویج دهیم.

ثانیاً، از آنجا که خدا هم حاکم و هم سرچشمه‌ی راستی است، ما می‌توانیم به او و کلام او اعتماد کنیم. او قابل اعتماد است و وعده‌های او نمی‌تواند انجام نشده باقی بماند. خطاناپذیری، لغزش‌ناپذیری و راستی کلام او، پایه‌ی استواری را برای ایجاد یک جهان بینی منسجم و فراگیر فراهم می‌کند - جهان بینی‌ای که امید می‌بخشد و اعتماد را در حین زندگی در این جهان ناپایدار ایجاد می‌کند. عیسی برای شاگردانش دعا کرد: “ایشان را به راستی خود تقدیس نما. کلام تو راستی است” (یوحنا ۱۷: ۱۷). پولس رسول مهر شدن ایمانداران توسط روح القدس را به افسسیان یادآور می‌شود؛ که آنها “کلام راستی” را شنیده و ایمان آورده‌اند (افسیسیان ۱: ۱۳). ما فراخوانده شده‌ایم تا به خدای واقعی و زنده اعتماد کنیم، “خدایی که دروغ نمی‌تواند گفت” (تیتس ۱: ۲). این حقیقت که خدای قادر مطلق ما سرچشمه‌ی راستی است به ارواح خسته و سرگردان آرامش می‌دهد.

سوم، مطالعه کنید و راستی را بشناسید، “حق شما را آزاد خواهد کرد” (یوحنا ۸: ۳۲). راستی در شخص عیسی مسیح که “راه راستی و حیات” است تجسم یافته است (۱۴: ۶). او را “نور حقیقی” (۱: ۹)، “نان حقیقی” (۶: ۳۲)، و “تاک حقیقی” (۱: ۱۵) می‌نامند. به عنوان تجسم راستی، خون او جاری گشت و جان خود را فدا نمود تا بتوانیم برای تمام شهادتات دروغین و گناهان زبانی خود بخشیده شویم. ما باید به شناخت عمیق‌تری نسبت به عیسی و راستی او برسیم - شبانه روز در مورد آن راستی تعمق

کنیم، آن را در قلب خود پنهان کنیم تا نسبت به او گناه نوزیم، خود را با شنیدن موعظه‌ی کلام خدا در معرض راستی‌اش قرار دهیم. "کلام مسیح در شما به دولتمندی و به کمال حکمت ساکن بشود" (کولسیان ۳: ۱۶).

عیسی به دنیا آمد تا "به راستی شهادت دهد" (یوحنا ۱۸: ۳۷)، و جهان او را رد کرده، مسخره نمود. اما گوسفندان او صدای شبان نیکوی خود را می‌شناسند و از او پیروی می‌کنند. او به آنها حیات ابدی می‌بخشد و هیچکس آنها را از دست او نخواهد گرفت. ما نیز در جهانی که شدیداً به منجی نیاز دارد، به حقیقت شهادت می‌دهیم، جهانی که به صدای چوپانی نیاز دارد که آنها را به مراتع سبز فیض تبدیل کننده‌اش هدایت می‌کند. باشد که ما با محبت، سخن بگوییم و در راستی خدا قدم برداریم، تا بتوانیم او را جلال دهیم و برای همیشه از او لذت ببریم.

دکتر برایان کازبی، کشیش ارشد کلیسای پرزبیتری وایزدی در شهر سیگنال‌مانتن، ایالت تنسی، و استاد میهمان تاریخ کلیسا در دانشگاه الهیات ریفورمد در آتلانتا است. او نویسنده‌ی چندین کتاب، از جمله *Uncensored: Daring to Embrace the Entire Bible* می‌باشد.

این مقاله در مجله [تیبل تاک](#) منتشر شده است.